

ایده‌های بزرگ

مورتیمر جی. ادلر

ترجمه

همایون کاکاسلطانی

فهرست

۷

یادداشت مترجم

بخش نخست

پیشگفتار: ایده‌های بزرگ

۱۷	فصل اوّل: کار فلسفه
۲۲	فصل دوم: افلاطون، درست و نادرست
۳۰	فصل سوم: مجموعه لغات اندیشه
۳۸	فصل چهارم: این چند ایده گزینش شده

بخش دوم

ایده‌هایی که با کمکشان قضاوت می‌کنیم: صدق، خوبی و زیبایی

۵۱	فصل پنجم: دروغگو و شکاک
۶۰	فصل ششم: اشکال معتدل شکاکیت
۶۹	فصل هفتم: قلمرو شک
۸۰	فصل هشتم: جستجوی حقیقت
۹۰	فصل نهم: از صدق تا خوبی و زیبایی
۹۲	فصل دهم: است / هست و باید
۹۹	فصل یازدهم: خوب‌های واقعی و ظاهری
۱۱۱	فصل دوازدهم: طیف و درجه خوب‌ها

۱۲۳	فصل سیزدهم: خیر غایی و عمومی
۱۳۱	فصل چهاردهم: از صدق و خوبی تا زیبایی
۱۳۵	فصل پانزدهم: زیبایی لذت بخش
۱۴۴	فصل شانزدهم: زیبایی تحسین برانگیز
۱۵۸	فصل هفدهم: خوبی زیبایی و زیبایی صدق

یادداشت مترجم

۱. کتاب *ایده‌های بزرگ*، بررسی موشکافانه و شبه‌تحلیلی شیوه نگرش و اندیشیدن به آنها در متن کل اندیشه غربی‌ست. از این رو در ارزیابی آنها علاوه بر فلسفه، سایر شاخه‌های معرفتی علوم انسانی و حتی حوزه‌های علوم تجربی را نیز مد نظر قرار می‌دهد. شش ایده مورد بررسی کتاب — ایده‌های «صدق»، «خوبی» و «زیبایی» در بخش دوم و ایده‌های «عدالت»، «برابری» و «آزادی» در بخش سوم — اگرچه در بستر تاریخ اندیشه حرفه‌ای سابقه حضور ناچیزی دارند، ولی تاریخ حضور آنها در زندگی و اندیشه غیرحرفه‌ای موجود آدمی به اندازه تاریخ پیدایش وی است. تمامی این ایده‌ها واژگان مهم و سازنده ساختار گفتار عادی و محاورات روزمره‌اند. گویی وضعیتمان در محاورات عادی به گونه‌ای است که اگر این ایده‌ها و نظایر آنها از ساحت کلام روزمره حذف شوند، اگر در محاوراتمان درباره هر چیزی از به‌کارگیری این شش ایده صرف نظر کنیم، کلاممان الکن و بی‌معنا جلوه می‌کند. این ایده‌ها — به گفته مؤلف — «مجموعه لغات اندیشه‌مان را می‌سازند». حضور آنها در متن زندگی آدمی درست مثل حضور پرتکرار و ناملموس و پیش از تدوین گرامر زبان در گفتار معمولی و تنفس پیش از اکتشاف منطق ارسطو در دل عبارات و جملات به نظر می‌رسد: ارسطو با مشاهده و رصد جریان گفتار عادی مردمان، روابط ساده و پیچیده «گزاره‌ها» و «جملات» را کشف کرد و پس از نسق‌بخشی

بخش سوم

	ایده‌هایی که بر اساسشان عمل می‌کنیم: آزادی، برابری و عدالت
۱۷۳	فصل هجدهم: استقلال و خودمختاری عدالت
۱۷۸	فصل نوزدهم: اختیار عمل؛ آن گونه که فرد لذت می‌برد
۱۸۸	فصل بیستم: آزادی‌هایی که حق ماست
۱۹۵	فصل بیست‌ویکم: ابعاد برابری
۲۰۵	فصل بیست‌ودوم: برابری‌هایی که حق خودمان می‌دانیم
۲۱۶	فصل بیست‌وسوم: نابرابری‌هایی که عدالت هم به آنها نیاز دارد
۲۳۰	فصل بیست‌وچهارم: دامنه عدالت
۲۴۳	فصل بیست‌وپنجم: عدالت و اقتدار قانون

بخش چهارم

سخن آخر: مسائل و پرسش‌های بزرگ

۲۵۷	فصل بیست‌وششم: ایده‌ها، مسائل و پرسش‌ها
۲۶۰	فصل بیست‌وهفتم: درباره‌ی صدق، خوبی و زیبایی
۲۷۸	فصل بیست‌وهشتم: درباره‌ی آزادی، برابری و عدالت

و دسته‌بندی، آنها را تحت قواعد و قوانینی جامع و دقیق ساماندهی کرد و از آن پس شد «منطق»، منطقی مترادف با نام ارسطو و البته اکتشاف وی. در مورد گرامر زبان نیز وضعیت از همین قرار است. گویشوران هر زبانی دانسته یا ندانسته، تابع گرامر زبان گویشی خودشانند. در چنین حالتی حضور گرامر در بستر زبان حضوری نامحسوس اما کارآمد است این متخصصان دستور زبانند که با ساماندهی عناصر زبانی، نام‌گذاری اجزای شاکله آن و تدوین و تنظیم قواعد متن، به هستی بالقوه و نامحسوسش وجودی بالفعل و عریان می‌بخشند. ایده‌های مذکور نیز پیش از جان‌گرفتن در اندیشه متفکران، خواسته یا ناخواسته، آگاهانه یا ناآگاهانه — در گفتمان معمولی آدمیان همواره حضور داشته‌اند. آن ایده یا ایده‌هایی که همه ما بی‌هیچ چون‌وچرای فلسفی به شکلی خام و غیر فلسفی معانی‌شان را می‌دانیم — ولو در مقام گفتمان سقراطی نتوانیم آنها را دقیقاً واکاوی کنیم — از سرآغاز فلسفه و شکل‌گیری حرفه‌ای مفاهیم، اکنون در تاریخ فلسفه و علم جایگاه ویژه‌ای یافته‌اند. با ایده‌های بزرگ ما دوباره آنها را در متن زندگی عادی خواهیم دید تا «تنوع و گوناگونی معانی سازنده پیچیدگی درونی آنها را» ببینیم. تا بتوانیم همپای مؤلف «پرسش‌های مورد مناقزه در خصوص آنها و ارزیابی صداهای مخالف را صورت‌بندی» کنیم. هدف کتاب مواجهه مستقیم خواننده با خود ایده‌هاست تا علاوه بر درک و دریافت مجادلات و مناقشات حاصله درباره آنها، ابتدائاً دریابد که آنها واژگان دیرآشنا و همزاد جامعه بشری‌اند نه الزاماً اصطلاحات فنی حوزه معرفتی خاص. / ایده‌های بزرگ، نه با تاریخچه ایده‌ها سروکاری دارد، نه شبه‌تاریخ فلسفه‌گزینشی‌ست. هر یک از این ایده‌ها خود حامل و معمای تاریخ اندیشه است، هر کدامشان مسائل مهمی را پیش کشیده‌اند و نقطه کانونی مسائل و پرسش‌های مهمی بوده‌اند و خواهند بود. مؤلف گرچه در تحلیل و واکاوی آنها در مواردی نظر مختار خود را ارائه کرده ولی با طرح سودمند مسأله و ابراز دیدگاه‌ها و نظرات متنوع، دست

خواننده را در گزینش دیدگاهی مطلوب یا ابراز نظر — که همان فلسفیدن باشد — باز می‌گذارد.

۲. از این شش ایده مورد بررسی کتاب، سه ایده نخست یعنی «خوبی»، «زیبایی» و «صدق»، ایده‌های ماهیتاً فردی — اجتماعی‌اند. فردی‌اند بدین معنا که موجود آدمی حتی اگر تک‌افتاده و منزوی و بی‌هیچ تعامل با فرد دیگری باشد این هر سه ایده باز هم در تنهایی او حیات خواهند داشت. ما چه با دیگران ارتباط داشته باشیم یا نداشته باشیم همواره در کار ارزیابی «خوبی و بدی»، یا «زشتی و زیبایی» یا «صدق و کذب، درستی و نادرستی» جهان خارج یا سایر هموعانمان خواهیم بود. از این رو این ایده‌ها محور قضاوت و داوریمان شمرده می‌شوند بدون این ایده‌ها، عملاً هیچ قضای و ارزیابی‌ای امکان‌پذیر نخواهد بود. سه ایده دوم یعنی «عدالت»، «برابری» و «آزادی» ایده‌هایی ماهیتاً و صرفاً اجتماعی‌اند. برای انسان تک‌افتاده و منزوی یا کروزنه وامانده در جزیره‌ای دورافتاده — که با من دیگری مطلقاً تعاملی ندارد — چرا و چگونه باید به این سه ایده هیچ نیازی داشته باشد. عدالت و بی‌عدالتی، برابری و نابرابری، اختیار و جبر، آزادی یا اسارت برای او هیچ شأنیت وجودی و هیچ درونمایه‌ای نخواهد داشت، مگر آنکه «من» یا «من‌های» دیگری باشند که بی‌عدالتی، نابرابری و فقدان آزادی را بر او تحمیل کنند یا عدالت، برابری و آزادی را به او هدیه دهند. این سه ایده ایده‌های عملیاتی ما در ساحت زندگی اجتماعی‌اند نه فردی. ما با اتکاء به آنها و در سایر تعامل یا تقابل با دیگران رفتار می‌کنیم. رفتار و کنش مدنی ما با اتکاء به این سه ایده درون‌مایه‌اش را می‌ستاند و قوام می‌یابد. اگر با سه ایده نخست علاوه بر آدمیان، جهان و امور غیر انسانی را نیز مورد ارزیابی و داوری قرار می‌دهیم، سه ایده دوم تعامل یا تقابل آدمیان با هم را تحت پوشش قرار می‌دهند. در معرفی نسبی محتوای کتاب / ایده‌های بزرگ گمان می‌کنم همین اندازه بسنده باشد. خواننده با مطالعه چهار فصل اول بخش